مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نویسنده: ن . جلیل زاد ۲۰۲۶/۱۰/۲۸

وطن، سفرۀ دلالان نیست و فروشی نیست
وطن مال مردم است، نه مال دلال ها

افغانستان امروز با دو دشمن روبه‌روست. یکی تفنگ به دست دارد و دیگری قلم. تفنگ‌دار دیوار را فرو می‌ریزد و قلم‌به‌دست بنیاد را می‌پوساند. اولی را همه می‌بینند. دومی در جامۀ «روشنفکر» و «فعال هویت» در محفل‌ها می‌نشیند، در شبکه‌ها نعره می‌زند و فقط یک کار دارد: بریدن رگ‌های پیوند میان مردم.
اولی را همه می بینند.
این نوشته از سر کینه نیست .
دردی است که دیگر تاب خاموشی ندارد.
زخم از کجا چرک می کند؟
این سرزمین از کمبود خاک و آب و تاریخ رنج نمی برد .
از بلخ کهن تا هرات، از دامن هندوکش تا کرانۀ آمو، هر وجب این خاک سند هزاران سال زیستن در کنار یکدیگر است .
زخم ما از جای دیگری چرک می کند: از دست هایی که هر صبح نامی تازه بر دیوار تفرقه می نویسند .
به آن «هویت پوچ قومی » می گویند و به آن «بیداری» می گویند، اما در عمل نقشۀ تکه تکه کردن است.
دلالان هویت
بگذارید بی پرده بگویم. کسی که امروز از نام قوم خود دکان می سازد، بزرگ دارندۀ آن قوم نیست .
او سوداگری است که غم و حافظۀ مردمش را روی ترازو گذاشته و بهای خون دیگران را به جیب می زند .
چنین کسی در هر قبیله و هر زبان یافت می شود: آن که از برتری تبار خود خطبه می خواند و آن که از جدایی خواهی نغمه می سازد .
جامه شان جداست، ولی کاسۀ گدایی شان یکی است و دستی که در آن سکه می ریزد از همان سوی مرز می آید.
از ظلم هیچ ملتی نباید چشم پوشید .
عدالت حق همۀ ماست، اما عدالت را با تبر نمی سازند. آن که برای دردِ یک قوم داروی «بریدن از دیگران» می پیچد، طبیب نیست، قصاب است.
دشمن را درست بشناسید
دشمن آن است که دختر را از مکتب راند .
دشمن آن است که برای قدرت، توپ بر شهر بست. دشمن پشتیبان بیرونی است که دهه هاست از آتش ما نان می پزد .
دشمن گرسنگی است و بی سوادی است و بی دادگری .
و دشمن هر آن کس است که نگاه مردم را از این‌ها برمی گیرد و به همسایه اش می‌دوزد .
هر بار که مردم به جان هم افتادند، ستمگر نفسی راحت کشید.
موریانه
تفرقه موریانه است .
بی صدا می خورد، بی شتاب می خورد، تا روزی که سقف بر سر همه فرود آید.
ما این فرو ریختن را دیده ایم .
در سال های جنگ های داخلی دهۀ نود، فرماندهان قوم پرست و گروه پرست کابل را به ویرانه بدل کردند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

شمار دقیق قربانیان هنوز محل اختلاف است، اما گزارش‌ها از ده‌ها هزار کشته و زخمی و صدها هزار آواره می‌گویند .
بخشی از شرق و شمال و جنوب وغرب کابل دهه ها بعد هم ویران ماند .
آن فاجعه از پرتگاهی آغاز شد که امروز عده‌ای دوباره ما را به لبهٔ آن می برند: وقتی انسان را در قوم و وطن را در قبیله خلاصه کنند.
زبان سلاح نیست
بدترین جنایتِ این بازار، تبدیل زبان به سنگر است .
زبان دری را رودکی خواند، مولانا با آن گریست، ناصرخسرو با آن حقیقت گفت و سنایی با آن به عرفان رسید .
این زبان را نه تهران می تواند مصادره کند و نه کابل. پشتو را خوشحال خان با شمشیر و قلم پاسداری کرد، رحمان بابا با آن عشق سرود و حمید مومند با آن اندیشید .
این زبان هم نه ابزار برتری جویی است و نه تازیانهٔ تحقیر.
هیچ زبانی دشمن زبان دیگر نیست .
دشمن آن است که زبان ها را به جان هم می اندازد تا در آب گل‌آلود شکار کند.
جهان می‌رود و ما در گِل مانده ایم
در همین ساعت که ما بر سر تبار و تبر جنگ می کنیم، هوش مصنوعی اقتصاد جهان را از نو می نویسد. کشورهایی که نیم قرن پیش از ما فقیرتر بودند راکت به آسمان می فرستند و مردمشان با سربلندی زندگی می کنند.
و ما؟
ما در این مسابقه عقب نیستیم، غایبیم .
غیبت از تاریخ شکست نیست، ناپدید شدن است.
نان گرسنه را کدام شعار قومی می دهد؟
کدام افتخار تباری دختری را به مکتب برمی گرداند؟ کدام برچسب جوانی را از بیکاری می رهاند؟
آن که آتش این بحث ها را زنده نگه می دارد، آینده را از نسلی می دزدد که هنوز به دنیا نیامده است .
نسل فردا در بازار جهان با مهارت رقابت می کند، نه با شجره نامه.
نقاب‌ها را بردارید
کارنامهٔ اجیران
وطن فروش همیشه با بیرق دشمن نمی آید. گاهی با بیرق قوم می آید، گاهی با بیرق زبان، گاهی با بیرق «حقوق بشر» و گاهی با بیرق دین .
جامه اش را هر روز عوض می کند، اما کارنامه اش را نمی شود پنهان کرد .
بپرسید: از آشوب چه کسی سود برد؟
از نفرت چه کسی نان خورد؟
هر بار که مردم از هم بریدند، چه کسی در اتاق دربسته لبخند زد؟
نشانه های مزدور و اجیر
اجیر را از سخنانش نه، از کارکردش می شناسند.
او هرگز از فقر مردم نمی گوید، چون فقر خریداری ندارد. از جهل نمی گوید، چون جهل در بازار نفرت ارزان نیست. او همیشه از خنجر حرف می زند، از زخم کهنه، از «آنان» و «ما». هر زخمی را که در راه ببیند نه مرهم می کند و نه می بندد، بلکه نمک می پاشد، چون زخم باز سرمایهٔ اوست.
او در برابر ستمگران بیرونی گنگه است و در برابر همسایهٔ خود شیر .
حقوق مردم را به قیمت یک کنفرانس و یک بورس و یک پروژهٔ «تحقیقاتی» داد می زند .
برای دهکده ای که تشنه است یک کلمه ندارد، اما برای هر اختلاف نام و تبار، صد مقاله و هزار توییت دارد .
این تناسب بی دلیل نیست .
کسی که مزد می گیرد، همان قدر فریاد می زند که برایش پرداخته اند.
نسل سوداگران
از هر قبیله و هر تبار و هر زبان چنین کسانی برخاسته اند. آن که فریاد «برتری ما» برمی دارد، همان قدر خادم دشمن است که آن که فریاد «جدایی ما» برمی دارد .
هر دو با یک نقشه کار می کنند، هر دو دشمن یکدیگر را لازم دارند و هر دو بی دشمن بی کار می مانند .
هر کدام دیگری را بهانهٔ ادامهٔ نمایش می کند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

تا یکی هست، دیگری مشتری دارد.
اینان تنها شرمندهٔ ما نیستند .
شرمندهٔ قوم خودشان اند، چون خون و حافظهٔ همان قوم را وثیقه گذاشته‌اند .
مادری که در سوگ فرزند نشسته، نیاز به وکیلی ندارد که از دردش دکان باز کند.
زنجیر در پشت پرده
وابستگی گاه دالر است و گاه وعده .
گاه یک کرسی، گاه یک سفر و عکس یادگاری در کنار قدرتمندی که از بالا نگاه می کند .
وطن فروش با پول خریده می شود، اما گاهی با کمتر از پول هم می شود: با یک ذره توجه، با یک لقب «رهبر فکری»، با یک نشان.
و آن سوی این معامله ها همیشه کسانی نشسته اند که از آشوب ما سود می برند. آنان دلشان به حال هیچ قومی نمی سوزد و فقط بازار می خواهند: بازار سلاح، بازار نفوذ، بازار خاک بی دفاع .
آن ها که زنجیر به دست داده‌اند، تکه تکه شدن ما را می خواهند، چون یک ملت یکپارچه را نمی شود خرید، اما ده تکه را ده مشتری می خرد.
محاکمهٔ قلم
قلم امانت است .
آن که قلمش را به جهل و نفرت اجاره بدهد، از قاتل نیز مسئول تر است، چون قاتل یک بار می کشد و او هزار بار.
هر جمله ای که تیغ می کند، هر شعاری که زهر می پاشد و هر برچسبی که ملت را به دو اردو بخش می کند، روزی از او حساب خواهد خواست .
تاریخ هیچ دفتری را نمی بندد و هیچ نامی را فراموش نمی کند.
حساب را پس خواهند داد
نه با خشونت و نه با کینه .
با آنچه از همه‌چیز سخت تر است: با بیداری ملت .
روزی که مردم بپرسند «این پول از کجا آمد؟» و «این نفرت به نفع کیست؟»، بازار اینان کساد می شود .
روزی که جوان ما به جای شعار، سند مهارت در دست بگیرد و به جای دشمنی، رقابت در علم را برگزیند، اجیر بی کار می ماند.
پس بیدار شوید .
هر که شما را به نام قوم تان علیه همسایه تان بسیج می کند، بپرسید در جیبش چیست .
هر که از خون صحبت می کند و از نان نه، بپرسید برای که کار می کند .
و هر که می گوید «ما قربانی ایم، فقط ما»، بپرسید چرا هیچ گاه از مرهم سخن نمی گوید.
وطن را نمی فروشند .
وطن را آن ها که دوستش دارند می سازند، و آن ها که می فروشند، روزی در آیینهٔ تاریخ چهرهٔ خود را خواهند دید.
فرمان وجدان
این نوشته مرثیه نیست، زنگ خطر است.
هر افغان شرافتمند باید سکوت را کنار بگذارد و در برابر دلالان نفرت بایستد .
نه با نفرت متقابل، که با آگاهی و روشنی و صدای بلند.
زبان‌ها را میراث مشترک بدانیم، نه چماق.
خشم ملی را به سوی ستم و فقر و جهل و بی عدالتی هدایت کنیم، نه به سوی همسایه.
به جوانان بگوییم که شرف آدمی در دانش و کار و راستی اوست، نه در برچسبی که دیگران بر پیشانی اش چسبانده اند.
این خانه برای همهٔ ماست .
هیچ کس حق ندارد آن را به طویله و سنگر و بازار حراج تبدیل کند.
واپسین گپ و سخن
تاریخ دل سوز نیست .
برای هیچ ملتی نمی گرید و فرصت دوباره را فقط به کسی می دهد که خودش از جا برخیزد .
پنج هزار سال گذشته مایهٔ سربلندی است، اما از افتخار گذشته خانه ای ساخته نمی شود .
خانه را کار امروز می سازد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ

ای مردم! وطن چشمبه راه فرزندان آگاه و دلیر و کاردان است، نه سوداگران هویت و نه شیفتگان تفرقه.
وطن با یگانگی ساخته می شود .
با دانش ساخته می شود .
با شرافت ساخته می‌شود.
یا بیدار می شویم، یا نامی از ما نخواهد ماند.

آرشیف: مطالب نشر شدهٔ ن. جلیل زاد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ